فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر
www.lthjournal.ir

دوره دوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

مسؤولیت دختر نوجوان در ارتکاب جرائم تعزیری در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران

ابوالحسن شاکری [۱]، میثاق شیرازی [۲*]

۱. استاد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۲. کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۱-۳۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ایمیل:
misagh_shirazi@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

دختر، نوجوان، مجازات، بلوغ، سن.

چکیده

دختران تا پیش از سن بلوغ طفل و پس از آن نوجوان هستند. در قانون مجازات اسلامی اگر دختر تا قبل از نُه سال شمسی حتی اگر بالغ باشند مرتکب جرم تعزیری شود، مواجهه با مسؤولیتی نخواهد شد، البته می‌توان آن‌ها را درصورتی‌که به بلوغ نرسیده باشند، از نظر فقهی مستحق تنبیه دانست که نمی‌توان به آن در حقوق ایران تعزیر نامید. ضمانت‌اجرای ارتکاب جرم تعزیری بعد از نُه سال تا ۱۵ سال شمسی چه پسر یا دختر حتی اگر بالغ و نوجوان باشند، اقدامات تأمینی و تربیتی است که در این‌خصوص تفاوتی بین آن‌ها نیست. اگر دختران پس از رسیدن به سن ۱۵ سال شمسی مرتکب جرم تعزیری شوند، به مجازات مذکور در مادۀ ۸۹ ق.م.ا محکوم می‌شوند، ولی اگر پسران پس از رسیدن به سن ۱۵ سال شمسی مرتکب جرم تعزیری شوند، درصورتی‌که ثابت گردد هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، چون مجازات فرع بر مسؤولیت کیفری و رسیدن به سن بلوغ است، به مجازات مذکور در مادۀ ۸۹ ق.م.ا محکوم نمی‌شوند که دلالت بر تفاوت بین دختران با پسران دارد. با لحاظ اطلاق تعزیر در مواد ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا که اعم‌از تعزیر منصوص شرعی یا غیر آن می‌باشد و تفسیر مضیق قوانین جزائی به نفع متهم، همچنان باید ضمانت‌اجرای ارتکاب هر نوع جرم تعزیری توسط دختر نوجوان را حسب سن صرفاً اقدامات تأمینی و تربیتی یا مجازات نقصان یافته مذکور در این مواد دانست که دلالت بر عدم تفاوت بین آن‌ها دارد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

تحقیقاً احکام صادره از دادگاه‌های کیفری باید مبتنی بر واقعیات باشند، ازجمله امور واقعی سن بلوغ در مرتکبان جرم اعماز دختران است. در شریعت اسلام چون بلوغ از شرایط عامهٔ تکلیف است و اینکه بلوغ پدیدهٔ اعجاب‌انگیزی می‌باشد که در روند رشد انسانی از اهمیت خاصی برخوردار است. بلوغ طبق نظریهٔ دانشمندان، انتقال از مرحلهٔ کودکی به بزرگ‌سالی می‌باشد. در این دوره تغییرات فیزیولوژیکی در مغز و غدد داخلی بدن موجب دگرگونی جسمی، روانی و رفتاری چشم‌گیری می‌شود. در واقع، شخصیت نوجوان در این مرحله از زندگی است که ثبات می‌یابد و شکل می‌گیرد (موسوی‌بجنوردی، ۱۳۷۸: ۸۱). بنابراین چنانچه دختری بالغ نباشد، مکلف محسوب نمی‌شود؛ ازآنجاکه مقررات جزایی اسلام در مورد افراد مکلف اجرا می‌شود، در مورد آن‌ها اجرا نخواهد شد، ولی رفتار ناصواب صغار نیز بی‌پاسخ نیست. فقها اغلب زنا، سرقت و دیگر جرائم موجب حد صغیر اعماز ممیِّز و غیرممیِّز را مشمول مجازات حد ندانسته و حکم به تأدیب می‌دهند (ابن‌براج، ۱۴۰۶: ۵۵۵ و ابن‌زهره، ۱۴۱۷: ۴۳۳). مطابق با قانون مجازات اسلامی در مادهٔ ۱۴۷، دختران در سن نُه سال قمری بالغ می‌شوند، ولی واقعاً تردید است که همهٔ دختران در قلمرو گستردهٔ جغرافیایی ایران در سن نُه سال قمری بالغ شوند، برخی در سنین کمتر از نُه سال و برخی در سنین بیش‌تر از نُه سال قمری بالغ می‌گردند (زراعتی، ۱۳۸۴: ۵۲۴) که تحقیقاً حداقل با نشانه‌ای در ظاهر بدن، خود را نشان می‌دهد، و الا باید تابع سن بود که فقهای امامیه در این خصوص نظرات مختلفی دارند (نجفی، ۱۳۸۶: ۲/ ۵؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۲/ ۳۸۴ و طوسی، ۱۳۹۰: ۴/ ۳۱۸). حسب مقررات مذکور در قانون مجازات اسلامی، دختران بعد از رسیدن به سن بلوغ تا سن ۱۸ سال تمام شمسی نوجوان محسوب می‌شوند. در این مقاله به مسؤولیت دختران نوجوان در ارتکاب جرم تعزیری پرداخته شده است.

کسی که تعهدی برعهده می‌گیرد مسؤول است، اگر از انجام آن سر باز زند، از او بازخواست می‌شود که همواره با التزام و مسؤولیت همراه است (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲/ ۱۴۶). مسؤولیت در لغت به‌معنی موظف بودن به انجام دادن امری می‌باشد (معین، ۱۳۷۱: ۴۰۷۷) که حسب موضوع آن انواع مختلف دارد؛ مانند مسؤولیت مدنی، مسؤولیت اداری یا مسؤولیت کیفری. مسؤولیت کیفری الزام شخص به پاسخ‌گویی آثار و نتایج جرم می‌باشد (میرسعیدی، ۱۳۸۳: ۲۱) که اغلب مجازات است؛ زیرا در این اشخاص قابلیت تحمل مجازات وجود دارد. مجازات‌ها به استناد مادهٔ ۱۴ قانون مجازات اسلامی، چهار قِسم است: حد، قصاص، دیه و تعزیر؛ تعریف مجازات تعزیری در مادهٔ ۱۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: «تعزیر مجازاتی است مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به‌موجب قانون در موارد محرمات شرعی یا نقص مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به‌موجب قانون تعیین می‌شود». مطابق مادهٔ ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی ایران مجازات تعزیری فرع بر داشتن مسؤولیت کیفری است که موجب آن رسیدن به بلوغ و داشتن عقل و اختیار می‌باشد.

تا پیش از تدوین نخستین قانون راجع‌به جرایم و مجازات‌ها به‌واسطهٔ اعتقادات و باورهای عمومی، مقررات اسلامی برگرفته از شرع و برداشت‌های فقهای اسلامی حاکم بر رفتارهای سوء اجتماعی بود که در این خصوص حسب هر منطقه چون در نظر و رویهٔ عملی سن بلوغ دختران مختلف بود، مسؤولیت کیفری آن‌ها در قبال ارتکاب جرم تفاوت داشت. بعد از جنبش مشروطیت در ایران، اولین قانون در سال ۱۳۰۴ با عنوان قانون مجازات عمومی به‌تصویب رسید. در مادهٔ ۳۴ این قانون[۱] اشخاص زیر ۱۲ سال غیرممیز بودند و به‌سبب ارتکاب جرم به هیچ ضمانت اجرایی محکوم نمی‌شدند. در مواد بعدی این قانون اشخاص بعد از سن ۱۲ سال به‌واسطهٔ ارتکاب جرم با بالا رفتن سن تا سن ۱۸ سالگی، به‌تدریج با ضمانت‌اجراهای شدیدتری مواجه بودند، ولی بعد از ۱۸ سالگی درصورت ارتکاب جرم به مجازات خاص آن جرم در قانون محکوم می‌شدند. در سال ۱۳۵۲ قانون مجازات عمومی اصلاح شد. در مادهٔ ۳۳ این قانون اطفال تا شش سال غیرممیز و قابل‌تعقیب جزایی نبودند، پس از این سن به‌تدریج تا ۱۸ سالگی درصورت ارتکاب جرم با ضمانت‌اجرای مذکور در این قانون مواجه می‌گردیدند.

۱- مادهٔ ۳۴ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴: «اطفال غیرممیز را نمی‌توان جزئاً محکوم نمود. در امور جزایی هر طفلی که دوازده سال تمام نداشته باشد، حکم غیرممیز را دارد. درصورتی‌که اطفال ممیز غیربالغ مرتکب جرمی شوند، باید به اولیاء خود تسلیم گردند، با التزام به تأدیب و تربیت و مواظبت در حُسن اخلاق آن‌ها».

بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ قانون راجع‌به مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ به‌تصویب رسید، در مادۀ ۲۶ این قانون[۱] اطفال به مفهوم اشخاص نابالغ اعم‌از ممیز و غیرممیز بود که درصورت ارتکاب جرم، مشمول اقدامات مذکور در این قانون بودند. در قانون مجازات سال ۱۳۷۰ در ماده ۴۹[۲] به اطفال یعنی نابالغین اشاره شده و بالغین اعم‌از اینکه زیر ۱۸ سال یا بالاتر از آن باشند، درصورت ارتکاب جرم تحت رژیم خاصی نبودند. با وضع قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ مطابق با مواد ۸۸[۳] و ۸۹[۴] قانون مجازات اسلامی، نوع و سن مسؤولیت پسران و دختران نوجوان در جرایم تعزیری متفاوت شد. تحقیقاً یکی از علل توجه قانون‌گذار به اینکه باید در مقابل ارتکاب جرایم تعزیری دختران نوجوان با آن‌ها برخورد کرد، این فرض قابل‌رد است که آن‌ها تا حدودی به درک ارزش‌ها و حُسن و قبح‌های ذاتی، اخلاقی، اجتماعی و قانونی رسیده‌اند که

۱- مادۀ ۲۶ قانون راجع‌به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱: «اطفال درصورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان به‌نظر دادگاه به‌عهدۀ سرپرست اطفال و عندالاقتضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد.

تبصره ۱- منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

تبصره ۲- چنانچه غیر بالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب بشود، عاقله ضامن است لکن در مورد اتلاف مال اشخاص خود طفل ضامن است و اداءآن به‌عهدۀ ولی طفل می‌باشد.

تبصره ۳- در جرایم مهمه هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند، تنبیه باید به کیفیتی باشد که دیه به آن تعلق نگیرد «که تعریف دقیقی از طفل نشده است و مسئولیت کیفری با توجه به جنسیت هم متفاوت می‌باشد. از قوه تمییز و سن تمییز آن‌ها بیان نشده است. در مورد جرایم مهمه و غیرمهمه منظور روشن نمی‌باشد».

۲- ماده ۴۹: «اطفال درصورت ارتکاب جرم مُبرّی از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به‌عهده سرپرست اطفال و عندالاقتضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد.

تبصره ۱- منظور از طفل کسی است که به حدّ بلوغ شرعی نرسیده باشد.

تبصره ۲- هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند، تنبیه باید به‌میزان و مصلحت باشد».

۳- مادۀ ۸۸ ق.م.ا: «دربارۀ اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نُه تا پانزده سال تمام شمسی است، حسب مورد دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حُسن اخلاق طفل یا نوجوان.

تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز أخذ نماید:

۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان.

۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به‌منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی.

۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک.

۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به‌تشخیص دادگاه.

۵- جلوگیری از رفت‌وآمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین.

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) درصورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آن‌ها با رعایت مقررات مادۀ (۱۱۷۳) قانون مدنی.

تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به‌وسیلۀ قاضی دادگاه.

ت- اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم.

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه‌ماه تا یک‌سال در مورد جرایم تعزیری درجه یک تا پنج.

تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط دربارۀ اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل‌اجرا است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرایم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.

تبصره ۲- هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرایم موجب حد یا قصاص شود، درصورتی‌که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد، به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم می‌شود و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آن‌ها اتخاذ می‌گردد.

تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به‌عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هرچند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید».

۴- ماده ۸۹ ق.م.ا: «دربارۀ نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات‌های زیر اجراء می‌شود:

الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه چهار است.

پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه پنج است.

ت- پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱،۰۰۰،۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه شش است.

ث- پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱،۰۰۰،۰۰۰) ریال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱- ساعات ارائۀ خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲- دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتکابی، به‌جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد».

درصورت ارتکاب جرم از طریق اعمال ضمانت‌اجراهای قانونی، قابل‌تنبه و اصلاح هستند.

جرم‌شناسی رفتارهای مجرمانهٔ دختران مرتکب جرایم تعزیری پس از رسیدن به سن بلوغ مباحث خاص خود را دارد که مطالب آن منصرف از بحث حاضر است. این مقاله با لحاظ داده‌های کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی، درصدد پاسخ به این قبیل سؤالات است که اگر دختر نوجوان بین پانزده تا هجده سال مرتکب جرم موجب تعزیر منصوص شود، آیا باید متحمل مجازات تعزیری منصوص گردد؟ و چنانچه دختر نوجوان زیر پانزده سال در خارج از کشور مرتکب جرم تعزیری شود و محکوم به اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی گردد، مجدداً در ایران تحت تعقیب کیفری واقع می‌شود؟ ازاین‌رو مطالب این مقاله با طرح نکته‌های متعدد با عناوین ماهیت مسؤولیت دختران نوجوان درصورت ارتکاب جرم تعزیری، ارتکاب جرایم موجب تعزیر دختران پیش از سن ۱۵ سال تمام شمسی و ارتکاب جرایم موجب تعزیر آن‌ها بعد از سن ۱۵ سال تمام شمسی بررسی و تحلیل شده است.

۱- ماهیت مسؤولیت دختر نوجوان در جرم تعزیری

دورهٔ نوجوانی یک دختر با رسیدن به سن بلوغ شروع می‌شود و تا ۱۸ سال شمسی تمام ادامه دارد. این دوره از سنین دختر را می‌توان بعد از نُه سال شمسی درصورت ارتکاب جرایم تعزیری به اعتبار دو نوع ضمانت‌اجرا مورد توجه قرار داد که قانون‌گذار در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی کرده است و مستفاد از مادهٔ ۹۵ قانون مجازات اسلامی[1]، حکم به محکومیت آن‌ها را صادر کرد. قانون‌گذار در مادهٔ ۸۸ قانون مذکور، ضمانت‌اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی و در مادهٔ ۸۹ همان قانون، ضمانت‌اجرای مجازات را برای مرتکبان جرایم تعزیری پیش‌بینی نموده است؛ به‌لحاظ عنوان و ماهیت این دو ضمانت‌اجرا (یعنی اقدامات تأمینی، تربیتی و مجازات) می‌توان دو نوع مسؤولیت برای مرتکبان درنظر گرفت، یکی به اعتبار مجازات مذکور در مادهٔ ۸۹ قانون مجازات اسلامی که لزوماً بر داشتن مسؤولیت کیفری مرتکب دلالت دارد و دیگری اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در مادهٔ ۸۸ قانون مجازات اسلامی که ناظر بر دارا بودن مسؤولیت تأمینی و تربیتی است. همان‌طوری‌که فقها در این‌خصوص حکم به تأدیب داده‌اند (ابن‌سعیدحلی، ۴۰۵: ۵۴۷ و عاملی، شمس‌الدین محمد بن مکی، ۱۴۱۱: ۲۴۸) که می‌تواند ماهیت یکسانی با اقدامات تأمینی و تربیتی داشته باشد. بر این اساس در مورد ارتکاب جرایم تعزیری توسط دختران نوجوان، چنانچه سن آنان در زمان ارتکاب نُه تا پانزده سال شمسی باشد، تصمیم جزایی اقدامات تأمینی و تربیتی و درصورتی‌که سن آن‌ها در زمان ارتکاب جرم از پانزده تا هجده سال تمام شمسی باشد، مجازات است که تحقیقاً با نظر به انطباق دادن اجتماعی و فرهنگی آن‌ها با هنجارهای اجتماعی است (گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۱۲۳)، ماهیت تنبه، اصلاح و بازسازی در رفتارها را دارد.

به صرف ارتکاب جرم نباید مرتکب را مجازات کرد، بلکه مجازات بعد از احراز مسؤولیت کیفری است. مطابق با مادهٔ ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی، بلوغ، عقل و اختیار از شرایط مسؤولیت کیفری می‌باشد، ولی قانون‌گذار با وجود اینکه دختر نوجوان بالغ است و چه‌بسا ممکن است صاحب عقل و اختیار باشد تا پیش از ۱۵ سال شمسی درصورت ارتکاب جرم تعزیری، وی را صرفاً مستوجب اقدامات تأمینی و تربیتی دانسته که بداهتاً مفهوم این اقدامات غیر از مجازات به مفهوم خاص است. قانون‌گذار که به‌صراحت مذکور در مادهٔ ۸۹ قانون مجازات اسلامی "مجازات" را برای اشخاص بالای ۱۵ سال شمسی مرتکب جرایم تعزیری درنظر گرفته، غیر از مجازات خاصی است که قانون‌گذار برای اشخاص بالای ۱۸ سال به‌سبب ارتکاب همان جرایم تعزیری پیش‌بینی کرده است. بر این اساس باید این مجازات را مخففه دانست که متأثر از نظریهٔ مسؤولیت کیفری نقصان یافته است.

نظر قانون‌گذار در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی، به مجازات تخفیف یافته و اقدامات تأمینی و تربیتی بر دختر نوجوان مرتکب جرم تعزیری هیچ مخالفتی با آموزه‌های فقه اسلامی نیز ندارد؛ چراکه در فقه اسلامی تعزیر به نظر قاضی است[2] (نجفی، ۱۳۸۶: ۴۱/ ۴۴۸)، ولی تفاوت در آن است که صلاحیت قاضی در فقه محدود به ضمانت‌اجراهای معین و محدودی نیست که در قانون برای قاضی پیش‌بینی شده است. در قانون مجازات اسلامی اختیار قاضی در انتخاب ضمانت‌اجرا و در عمل به اصل قانونی‌بودن مجازات‌ها، مذکور در اصل ۱۶۷ قانون اساسی[3] محدود به‌همان مجازات یا اقدامات تأمینی و

۱- مادهٔ ۹۵ ق.م.ا: «محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است».

۲- «التعزیر بما یراه الحاکم».

۳- اصل ۱۶۷ قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند، حکم دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوای معتبر،

تربیتی می‌باشد که در قانون ذکر شده است، مگر با ملاحظات مذکور در قانون آن را کاهش، تبدیل یا مجرم را به‌کلی از مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی معاف کند.

جرایم تعزیری ممکن است از حیث حالت روانی مرتکب، عمدی یا غیرعمدی واقع شوند، هرچند مستند به مادۀ ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی عنصر روانی جرایم عمدی قصد است و اغلب افراد در جرایم عمدی به‌لحاظ داشتن قصد در ارتکاب جرم مسؤولیت کیفری پیدا می‌کنند، ولی در این خصوص با لحاظ مادۀ ۱۴۵ این قانون قابل‌توجه است که جرایم موجب تعزیر غیرعمدی هم واقع می‌شوند، مانند جرایم ناشی از تخلفات رانندگی که منوط به احراز تقصیر مرتکب می‌باشد. تقصیر، اعمّ از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها، حسب مورد از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شوند؛ البته می‌توان قائل بر این بود که رفتارهای غیرعمدی شامل رفتارهای بدون تقصیر یعنی قصور هم هست، ولی رفتارهایی که با قصور واقع شوند، در غیر از جنایات (صدمه بر جان و بدن انسان) در زمرۀ جرایم تعزیری جرم‌انگاری نشده‌اند.

دختر نوجوانی که بعد از سن ۱۵ سال شمسی مرتکب جرم تعزیری می‌شود، با احراز جرم و داشتن دیگر شرایط مذکور در مسؤولیت کیفری یعنی عقل و اختیار با استناد به مادۀ ۹۵ قانون مجازات اسلامی، به مجازات محکوم می‌شود، مگر اینکه مقتضای معافیت از مجازات یا جهات تخفیف وجود داشته باشد که قابل‌تسری به اقدامات تأمینی و تربیتی نیز می‌باشد. در این صورت این مرتکبان جرم تعزیری از مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی معاف می‌شود یا مستند به مادۀ ۹۳ قانون مجازات اسلامی، مجازات تقلیل می‌یابد یا اقدام تامینی و تربیتی به اقدام دیگری تبدیل می‌گردد. تحقیقاً این اشخاص به مجازات‌ها تبعی یا تکمیلی محکوم نمی‌شوند؛ چراکه هیچ‌یک از اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در مادۀ ۸۸ قانون مجازات اسلامی و مجازات‌های مذکور در مادۀ ۸۹ قانون مجازات اسلامی که اغلب ماهیت تأمینی و تربیتی دارند، مشمول یا منطبق با مجازات‌های مذکور در مواد ۲۳ و ۲۵ قانون مجازات اسلامی برای صدور حکم به مجازات‌های تبعی یا تکمیلی نیستند.

با لحاظ اینکه در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی به جرایم تعزیری تصریح شده است که علی‌الاطلاق شامل همۀ جرایمی است که مجازات آن‌ها تعزیر هستند و تعزیر اعمّ از تعزیر منصوص شرعی و تعزیر غیرمنصوص شرعی است، درصورتی که دختر نوجوان حسب سن‌اش یکی از جرایم تعزیر منصوص شرعی مانند روابط مشروع موضوع مادۀ ۶۳۷ کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵[1] را مرتکب شود، با لحاظ اطلاق کلمۀ تعزیر در این مواد و تفسیر مضیق قوانین جزایی به‌نفع متهم آن‌ها به‌همان اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در مادۀ ۸۸ قانون مجازات اسلامی یا مجازات نقصان‌یافتۀ مذکور در مادۀ ۸۹ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌گردد.

در قانون ایران مستند به مادۀ ۱۸ قانون مجازات اسلامی و اصل قانونی‌بودن مجازات‌ها، مذکور در اصل ۱۶۷ قانون اساسی، تعزیر مفهوم خاص دارد که محدودتر از مفهوم تعزیر در ادبیات فقهی می‌باشد. در ادبیات فقهی، تعزیر اعمّ از تنبیه است (موسوی‌خویی، ۱۳۸۶: ۲۸۳) که ممکن است از طرف اولیاء بر اطفال مرتکب رفتارهای سوء در راستای ادب و تربیت کودکان بر آنها تحمیل گردد (حلی، ۱۳۸۷: ۲/ ۶۲۴)، تنبیه باید متعارف باشد و در نزد برخی فقها تنبیه شامل رفتارهای مختلفی ازجمله زدن تا شش ضربه هم است (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۸/ ۵۸۱)، به‌شرط اینکه ضربه شدید و موجب زخم یا تغییر رنگ پوست نباشد، در واقع به‌نحوی‌که موجب دیه نشود (گلپایگانی، ۱۴۱۴: ۴/ ۲۸۱)؛ حتی در جایی هم که برخی فقها در مقابل ارتکاب جرم موجب حد توسط صغار از لفظ تعزیر استفاده کردند، متعاقباً اجرای آن را مکروه و به تنبیه بدنی تعبیر می‌کنند که در مقام تأدیب نباید از ده ضربه شلاق تجاوز کند (عاملی، زین‌الدین بن علی الجبلی، ۱۴۱۰: ۱۹۳ و مقدس‌اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۷۸). قابل‌توجه است که در این‌خصوص تعزیر و تنبیه مانع‌الجمع هستند، یعنی چنانچه قاضی دختر نوجوان بالای سن ۱۵ تا ۱۸ سال مرتکب جرم را تعزیر کند، اولیاء وی مجاز نیستند وی را تنبیه کنند، البته نه فقط از این جهت که انسان به‌سبب ارتکاب یک جرم نباید دومرتبه مؤاخذه و مجازات شود،

حکم را صادر کند و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».

۱- مادۀ ۶۳۷ ق.م.ا: «هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا مانند تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نودونه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عُنف و اکراه باشد، فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود».

بلکه به این خاطرکه دختر نوجوان بالای سن ۱۵ سال شمسی اغلب طفل نیستند تا بتوان آن‌ها را مشمول تنبیه اولیاء قرار داد.

۲- ارتکاب جرم تعزیری پیش از ۱۵ سال شمسی

دختری که هنوز به سن ۱۵ سال شمسی نرسیده است، مرتکب جرم تعزیری شود برابر مادۀ ۸۸ قانون مجازات اسلامی به اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم می‌شود، ولی به اعتبار اینکه تصمیمات قانون‌گذار به اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در مادۀ ۸۸ قانون مجازات اسلامی حسب سن متعدد است مباحث تحت عناوین ارتکاب جرم تعزیری پیش از نُه سال شمسی و ارتکاب جرم تعزیری بعد از نُه تا ۱۲ سال شمسی و ارتکاب جرم تعزیری بعد از ۱۲ تا ۱۵سال شمسی قابل تقسیم و بحث است.

۲-۱- ارتکاب جرم تعزیری پیش از نُه سال شمسی

در دورۀ فقدان تمیز یا عدم مسؤولیت کیفری مطلق که از تولد آغاز می‌شود و بنا به روایتی با فرا رسیدن هفت سالگی پایان می‌یابد، سن هفت سالگی در واقع اماره‌ای است برای اینکه کاشف از رشد عقل کودک باشد، در این صورت هیچ مسؤولیت کیفری ندارد و فقط مسؤولیت مدنی‌اش به‌عهدۀ عاقله است و قریب به بیش‌تر فقها راجع‌به این دوره و تعیین سن آن توافق دارند؛ پس اگر سن دختری در زمان ارتکاب جرم تعزیری قبل از نُه سال تمام شمسی باشد از مادۀ ۸۸ قانون مجازات اسلامی که تصریح به اقدامات تأمینی و تربیتی بر اشخاص بین نُه تا ۱۵ سال شمسی دارد می‌توان دریافت زمانی‌که شخصی زیر نُه سال تمام شمسی حتی اگر بالغ هم باشد که ممکن است دختران این‌چنین و نوجوان هم باشند مرتکب جرم تعزیری شود، با هیچ ضمانت‌اجرا کیفری مواجه نخواهد شد؛ همچنان‌که اشخاص زیر سن بلوغ یعنی صغار در شریعت اسلام مورد عقاب خداوند متعال نیز قرار نمی‌گیرند (طوسی، أبی جعفر محمد بن الحسن بن علی، ۱۳۸۷: ۲۱) که تحقیقاً شامل دختران زیر نُه سال قمری که هنوز به سن بلوغ نرسیدند می‌شود، البته این رفع تکلیف مانع از اعمال هیچ ضمانت اجرایی مانند تنبیه نیست که در بند (ت) مادۀ ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی[1] در حدود متعارف بر اطفال به‌رسمیت شناخته شده است. مفاد حدیث مزبور که به طفل مرتکب جرم تصریح دارد، منصرف از دختر بالغ بالای سن نُه سال قمری باشد که هرچند ممکن است وی زیر نُه سال شمسی باشد، درحالی‌که براساس نصوص شریعت اسلام ازجمله حدیث منسوب به حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به اینکه قلم تکلیف از اطفال برداشته شده[2] (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱/ ۴۵) و مادۀ ۸۸ قانون مجازات اسلامی دختر بالغ نوجوان زیر نُه سال شمسی درصورت ارتکاب جرم تعزیری فاقد مسؤولیت است که در تعارض با آن و محل تأمل می‌باشد، از این جهت که قانون‌گذار با لحاظ آموزه‌های اسلامی می‌توانست در این‌خصوص توجهی خاص کند.

دختری که سن او کمتر از نُه سال تمام شمسی است، حتی اگر به‌طور طبیعی یا غیرطبیعی بالغ (با مصرف داروی شیمیایی به بلوغ زودرس برسد)، یعنی نوجوان شود مرتکب جرم تعزیری گردد، قاضی دادگاه به‌لحاظ فقد قانون در پیش‌بینی ضمانت‌اجرایی علیه او نمی‌تواند هیچ تصمیمی اتخاذ کند. ملاک سن مسؤولیت اعم‌از مسؤولیت کیفری یا تأمینی و تربیتی در نظام کیفری ایران سن شناسنامه‌ای به‌عنوان یک سند رسمی است، حتی اگر سن شناسنامه مبتنی بر واقع نباشد، مگر اینکه شناسنامه مرتکب در مواردی مانند اشتباه در صدور یا با رأی قطعی مرجع ذی‌صلاح باطل گردد که در این صورت سن واقعی او با لحاظ نظریۀ کارشناسی ملاک تصمیم قاضی خواهد بود.

۲-۲- ارتکاب جرم تعزیری از سن نُه تا ۱۲ سال شمسی

ممکن است سن دختر نوجوان در زمان ارتکاب جرایم موجب تعزیر از نُه تا ۱۲ سال تمام شمسی باشد، هرچند اقداماتی که قانون‌گذار در مورد این گروه سنی پیش‌بینی کرده است، جنبۀ تربیتی دارند، ولی نباید از جنبۀ تأمینی آن نیز غافل بود؛ در این صورت دادگاه طبق مادۀ ۸۸ قانون مجازات اسلامی حسب مورد یکی از تصمیمات مذکور در بندهای (الف)، (ب) یا (پ) این ماده را اتخاذ می‌کند، البته قاضی در اتخاذ هریک از این تصمیمات اختیار دارد، لیکن تحقیقاً تصمیم قاضی تابع مصلحت طفل و صراحت مذکور در بند (ب) یعنی عدم صلاحیت اشخاص مذکور در بند (الف) است، در بند (الف) اشاره‌ای نشده است که قاضی اتخاذ تصمیم به بند (الف) را به موافقت اشخاص مذکور در این بند منوط کند، ولی می‌توان از صراحت عبارت "اخذ تعهد اشخاص مذکور به تأدیب و تربیت و مواظبت" استیصاد کرد که این تعهد متضمن موافقت آن‌ها هم است؛

۱- بند (ت) مادۀ ۱۵۸ ق.م.ا: «اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به‌منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد».

۲- «أن القلم یرفع عن ثلاثة: عن الصبی حتی یحتلم...».

چراکه اگر این اشخاص تعهد ندهند هرچند ظاهراً قانون تکلیف قاضی را در صدور حکم به مفاد بند (الف) به‌صراحت روشن نکرده است، اما می‌توان با لحاظ اینکه مراجعه قاضی به بند (ب) منوط به عدم صلاحیت اشخاص مذکور در بند (الف) است، تعهد ندادن اشخاص مذکور در بند (الف) را به عدم تقید یعنی عدم صلاحیت آن‌ها در تأدیب، تربیت و مواظبت حمل کرد.

ازجمله اقداماتی که در این قانون برای این سنین از دختران که حسب قانون بالغ محسوب می‌شوند درنظر گرفته شده، تسلیم آن‌ها به اشخاص است که قاضی به استناد بند (الف) و (ب) مادۀ ۸۸ قانون مجازات اسلامی این اختیار را دارد که مرتکب را به اشخاص خاصی تسلیم کند. قانون‌گذار برای نگهداری بعد از تسلیم به آن‌ها مدت تعیین نکرده است، تحقیقاً نمی‌توان قائل بر این بود که قانون‌گذار از تعیین مدت غافل بوده است؛ زیراکه در همین ماده قانون‌گذار در بند (ث) برای تحمل نگهداری در کانون اصلاح و تربیت مدت تعیین نموده است، بنابراین باید بر این نظر بود که قانون‌گذار عمداً مدت را ذکر نکرده است؛ زیرا تسلیم، مدت‌بردار نیست؛ ازاین‌رو اگر این نوجوان بعد از تسلیم مجدداً مرتکب همان جرم یا جرم تعزیری دیگری شود، قاضی ممکن است همان اقدام تأمینی و تربیتی قبلی یا اقدام دیگری مذکور در این ماده را برای وی درنظر بگیرد، به‌همین خاطر این توجیه قابل‌قبول نیست که گفته شود تسلیم به اشخاص، ناظر به دختران با سنین نُه تا ۱۲ سال است و قانون‌گذار تحمیل اقدامات تأمینی و تربیتی بر آن‌ها را تا ۱۵ سال مجاز دانسته است و نیز قانون‌گذار حداکثر مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را سه‌سال تعیین کرده که قابل‌تسری به دیگر اقدامات تأمینی و تربیت مانند تسلیم نیز می‌باشد. پس مدت نگهداری بعد از تسلیم تا سه سال است یا گفته شود مدت نگهداری بعد از تسلیم به‌نظر شخص سپرده شده یا قاضی واگذار شده است که تماماً برخلاف تفسیر مضیق قوانین کیفری و به‌خصوص اصل قانونی‌بودن مجازات‌ها مذکور در اصل ۱۶۷ قانون اساسی است که به‌موجب آن در مباحث حقوق کیفری قاضی نباید بدون توجه به قانون محدودیت‌هایی از هر نوع مانند مدت را علیه محکوم معین نماید.

۳-۲- ارتکاب جرایم موجب تعزیر از ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی

دختر نوجوان بالغی که سن آن‌ها ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی باشد، مرتکب جرایم موجب تعزیری شوند، طبق مادۀ ۸۸ قانون مجازات اسلامی مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی می‌شوند. در تبصرۀ یک مادۀ ۸۸ قانون مجازات اسلامی، راجع‌به این سنین اشخاص آمده است که «تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط دربارۀ اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل‌اجرا است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرایم موجب تعزیر درجۀ یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است»؛ از مفاد مادۀ مزبور قابل‌استفاده است که قاضی می‌تواند برای دختر بالغ نوجوان ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی که مرتکب جرم تعزیری یکی از اقدامات تأمینی و تربیتی (الف) یا (ب) یا (پ) یا (ت) یا (ث) را تعیین کند. حال اگر دختر نوجوان بالغ در اواخر سن ۱۵ سالگی مرتکب جرم تعزیری شود، قاضی به استناد بند (ث) مادۀ ۸۸ قانون مجازات اسلامی، این اختیار را دارد که تصمیم بگیرد مرتکب را برای مدت سه‌ماه تا یک‌سال در کانون اصلاح و تربیت نگهداری کند، حتی اگر وی مزدوج و دارای فرزند باشد. درخصوص تکرار جرایم تعزیری قاضی مجاز است فقط یکی از این اقدامات تأمینی و تربیتی را اتخاذ کند؛ زیرا مقررات ناظر بر تکرار جرم در مادۀ ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی[1] به مجازات‌های تعزیری درجۀ یک تا شش انصراف دارد که منصرف از اقدامات تأمینی و تربیتی به‌عنوان ضمانت‌اجرای ارتکاب جرم تعزیری دختران زیر ۱۵ سال شمسی است.

دختر نوجوان بالغ زیر ۱۵ سال تمام شمسی که مرتکب معاونت در هر جرم عمدی اعماز جرایم موجب حد یا قصاص شود، چون مجازات معاونت در این جرایم تعزیر است؛ مطابق مادۀ ۸۸ قانون مجازات اسلامی به اقدامات تأمینی و تربیتی و اگر سن او در زمان ارتکاب بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی باشد، مطابق مادۀ ۸۹ قانون مجازات اسلامی به مجازات نقصان‌یافتۀ مذکور در این ماده محکوم می‌شود.

۳- ارتکاب جرم تعزیری بعد از ۱۵ سال شمسی

نوجوان بین ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی نیز ممکن است مرتکب جرم تعزیری شوند، در این صورت حسب این که مرتکب جرم معتوه (ناقص العقل) یا عاقل باشد، مواجه با ضمانت‌اجراهای متفاوت خواهند بود؛ ازاین‌رو مباحث با دو عنوان ارتکاب جرایم موجب

۱- مادۀ ۱۳۷ ق.م.ا: «هرکس به‌موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجۀ یک تا درجۀ شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعادۀ حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجۀ یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود».

تعزیری توسط دختران نوجوان عاقل و ارتکاب جرایم موجب تعزیری توسط دختران نوجوان معتوه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳-۱- ارتکاب جرایم موجب تعزیری توسط دختران نوجوان عاقل

تحقیقاً اشخاص نابالغ به کمال عقل نمی‌رسند. عقل اشخاص بعد از بلوغ با بالا رفتن سن می‌تواند کامل شود. منظور از عقل، رسیدن به درک واقعیت، تمییز حُسن و قُبح و تدبیر در امور است. سن دختر نوجوانی که در زمان ارتکاب جرایم موجب تعزیر ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی می‌باشد، چون بالغ است در واقع باید با لحاظ دیگر شرایط مقرر در مادۀ ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی یعنی عقل و اختیار مسؤولیت کیفری داشته باشد و به مجازات خاص جرم ارتکابی محکوم شود. دختران پس از رسیدن به سن ۱۵ سال شمسی بالغ محسوب می‌شوند، درصورت ارتکاب جرم تعزیری مشمول یکی از مجازات‌های مذکور در مادۀ ۸۹ قانون مجازات اسلامی خواهند بود.

قانون‌گذار در مادۀ ۸۹ قانون مجازات اسلامی برای ارتکاب هر جرم تعزیری صرفاً چهار مجازات را درنظر گرفته که ضمانت‌اجرای کیفری مشترک ارتکاب همۀ جرایم تعزیری است؛ به‌صراحت این ماده مجازات نوجوان بین ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یا جزای نقدی یا خدمات عمومی رایگان یا اقامت در منزل است که اغلب ماهیت تأمینی و تربیتی دارند و باید گفت نسبت به مجازات بزرگسالان بالای ۱۸ سال نقصان یافته است؛ چراکه اگر دختر بالای ۱۸ سال همین جرم تعزیری را مرتکب شود، به مجازات خاص این جرم مذکور در قانون مجازات اسلامی یا قانون مربوطه محکوم می‌گردند.

چنانچه دختر نوجوانی سردستۀ گروه مجرمانه در جرایم تعزیری باشد، اینکه وی مسؤولیت کیفری کامل دارد؟ و باید با لحاظ مادۀ ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مجازات شود که مقرر داشته است: «هرکسی سردستگی یک گروه مجرمانه را به‌عهده داشته باشد، به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد، مگر آنکه جرم ارتکابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود» یا مسؤولیت نقصان‌یافته دارد؟ و صرفاً باید مستحق مجازات مخففۀ مذکور در مادۀ ۸۹ قانون مجازات اسلامی می‌گردد. بحث است در واقع این سؤال مطرح است که در این خصوص کدام‌یک از دو مادۀ ۱۳۰ یا ۸۹ قانون مزبور حاکم است، مجازات متفاوت خواهد بود. از یک نظر باید مقررات کیفری را به‌نفع متهم تفسیر کرد و حکم مادۀ ۸۹ قانون مجازات اسلامی اطلاق به ارتکاب هر جرم تعزیری دارد و اینکه دختران نوجوان را نباید به مجازاتی بیش از آنچه که در مادۀ ۸۹ قانون مزبور آمده است مجازات کرد، پس دختر نوجوان سردستۀ جرم تعزیری هم صرفاً به یکی از مجازات‌های مذکور در مادۀ اخیر محکوم می‌شود، ولی از جهت دیگر باید قائل بر این بود که چون حکم مادۀ ۸۹ قانون مجازات اسلامی مطلق است و با شرایط خاص مذکور در مادۀ ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی تخصیص می‌خورد، نمی‌توان از این تخصیص صرف‌نظر نمود، مگر در قانون پیش‌بینی شده باشد، ازاین‌رو لزوماً مجازات دختر نوجوان سردستۀ جرایم تعزیری را باید براساس مادۀ ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی تعیین کرد.

چنانچه دختر نوجوان در خارج از کشور مرتکب جرم موجب تعزیری شود و درنتیجۀ آن محکوم و متحمل اقدامات تأمینی و تربیتی شود، با توجه به مادۀ هفت قانون مجازات اسلامی، چنانچه در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد، نباید مجدداً تعقیب کیفری یا محکوم شود؛ چراکه اقدامات تأمینی و تربیتی داخل در مفهوم عام مجازات است؛ در این خصوص قابل‌توجه است که مطابق با مادۀ دو قانون مجازات اسلامی که مجازات را در مقابل جرم قرار داده و مادۀ ۱۴ قانون مجازات اسلامی که مجازات را چهار قِسم (حد، قصاص، دیه و تعزیر) می‌داند، در این صورت لاجرم اقدامات تأمینی و تربیتی داخل در قِسم چهارم یعنی تعزیرات با مفهوم عام هستند؛ بنابراین نباید این دختر را به‌سبب همان جرم تعزیری ارتکابی در خارج از کشور به استناد مادۀ هفت قانون مجازات اسلامی مجدداً تعقیب و به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی دوچندان محکوم کرد.

در مادۀ ۸۹ قانون مجازات اسلامی به مجازات تصریح شده است، با توجه به اینکه مجازات فرع بر مسؤولیت کیفری می‌باشد، لزوماً باید قائل بر این بود مجرمی که مجازات می‌شود حتماً بالغ، عاقل و مختار است. در این صورت آنچه که موجب می‌شود دختر زیر ۱۸ سال همان مجازات دختر بالای ۱۸ را متحمل نگردد، سن وی می‌باشد، یعنی در قانون مجازت اسلامی ایران سن مرتکب موضوعیت دارد، درحالی‌که در شریعت اسلامی دختر بعد از رسیدن به سن بلوغ درصورت ارتکاب جرم با لحاظ دیگر شرایط مسؤولیت تحمل مجازات پیدا می‌کند، بنابراین می‌توان دریافت که در قانون ایران سن مرتکب بعد از بلوغ و رسیدن به سن ۱۵ سالگی برای داشتن مسؤولیت کیفری هرچند نقصان‌یافته،

خصوصیت دارد، ولی در ادبیات فقه اسلامی رسیدن به بلوغ صرف‌نظر از اینکه در چه سنی باشد، شرط داشتن مسؤولیت کیفری است که اگر با دیگر شرایط همراه باشد، مرتکب مستحق مجازات خاص همان جرم می‌باشد.

عدالت و انصاف حکم می‌کند مجازات کسی که یک‌بار مرتکب جرم شده و آن‌کس که چندین‌بار مرتکب جرم گردیده، یکسان نباشد، ارتکاب جرایم متعدد گاه نشانهٔ ناسازگاری و حالت خطرناک بزهکار است و دفاع جامعه اقتضا می‌کند که نسبت به بزهکاران ناسازگار تصمیم دیگری جدا از مجازات اتخاذ شود (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۳/ ۱۷۴)؛ ازاین‌رو با لحاظ اصل فردی‌کردن مجازات‌ها، یعنی رعایت عدالت، شخصی که مرتکب چندین جرم شده است در حدود مقررات مجازات اشد یا بیش‌تری را تحمل کند، ولی اگر دختر نوجوانی که سن او بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی باشد، مرتکب چندین جرم تعزیری گردد، مقررات ناظر بر مادهٔ ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی ناظر بر تعدد جرم یعنی اعمال مجازات اشد قابل‌توجه نخواهد بود؛ زیرا نوجوانان مرتکب جرم تعزیری در این سنین مسؤولیت کیفری نقصان‌یافته دارند و صرفاً به مجازات‌های مخففه‌ای مذکور در مادهٔ ۸۹ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند که ضمانت‌اجرای کیفری مشترک همهٔ جرایم تعزیری است. از طرف دیگر ازآنجاکه مجازات‌ها مذکور در مادهٔ ۸۹ قانون مجازات اسلامی غیر از مجازات تعزیری درجات یک تا شش می‌باشد، مشمول مقررات تکرار جرم مذکور در مادهٔ ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی نمی‌گردد؛ به‌عبارت دیگر، اگر دختر نوجوانی به تکرار مرتکب جرایم تعزیری شود، قاضی می‌تواند فقط وی را به یکی از مجازات‌های مذکور در مادهٔ ۸۹ قانون مجازات اسلامی محکوم کند، زیرا مقررات ناظر بر تکرار جرم در مادهٔ ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی که ناظر به مجازات‌های تعزیری درجهٔ یک تا شش می‌باشد، منصرف از مجازات نقصان‌یافته به‌عنوان ضمانت‌اجرای ارتکاب جرم تعزیری دختران بعد از ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی است.

۲-۳- ارتکاب جرایم موجب تعزیری توسط دختران نوجوان معتوه

به یک تعبیر در مقابل انسان عاقل، انسان‌های غیرعاقل قرار دارند. غیرعاقل‌ها فقط مجانین نیستند، بلکه معتوهین نیز غیرعاقل هستند. بحث راجع‌به مجانین از حوصلهٔ این مقاله خارج است؛ چراکه آن‌ها فاقد هرگونه مسؤولیت کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی می‌باشند. در این خصوص نصی به وجوب تعزیر مجنون نیست (طباطبایی‌حائری، ۱۴۱۸: ۲/ ۴۸۰ و طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/ ۱۹)، ولی اگر معتوه مرتکب جرم تعزیری شود، مورد توجه است.

معتوه از ریشهٔ عته است. عته در فقه اسلامی همراه با برخی عارضه‌های روانی مانند جنون آمده که در لغت به‌معنای سبک عقل شدن یا کم عقل شدن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۷۴۸)؛ در ادبیات فقهی به این افراد که نه کاملاً عاقل و نه کاملاً مجنون هستند، معتوه می‌گویند (رازی، ۱۹۹۹: ۶۵۰؛ فراهیدی، ۱۴۴۳: ۱/ ۱۱۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳/ ۱۱۹ و حائری، ۱۴۱۵: ۳/ ۲۳۹-۴۰۱)؛ اصطلاحا معتوه فرد ناقص‌العقلی است که کلامش مختلط و نامرتب می‌باشد و تدبیر وی در ادارهٔ امور فاسد است و گاهی شبیه عقلا و گاهی شبیه مجانین رفتار می‌کند (جزایری، ۱۴۲۸: ۴/ ۳۲۷؛ کلینی، ۱۳۷۶: ۶/ ۱۲۵ و بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۵/ ۱۵۸)، این تعابیر می‌تواند همان مفاهیم مذکور در مادهٔ ۹۱ قانون مجازات اسلامی باشد. معتوه نه آن‌قدر بدون عقل در تعریف مجنون است که فاقد قوهٔ تمییز یا فاقد ارادهٔ ناشی از اختلال روانی باشد و نه آن‌قدر از عقل برخوردار است که بتواند متعارفاً در امور مربوط به خود تمییز و تدبیر داشته باشد؛ به‌عبارت دیگر، "معتوه کسی است که بین فرد عاقل و مجنون قرار دارد" (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲: ۲/ ۴۰۱). برای شناسایی معتوه از لحاظ نظری می‌توان هم از ضوابط خاصی استفاده کرد یا در عمل به افراد خاصی به‌عنوان معتوه اشاره نمود. همچنین بعضی از فقها تعلق ابتدایی به کسی که خطاب را نمی‌فهمند، ناصحیح می‌شمارند (عاملی، ۱۳۷۴: ۳۲۹) و تأکید دارند که مکلف باید عاقل باشد، چندان که خطاب را بفهمد؛ زیرا مقتضای تکلیف اطاعت و امتثال است و این دو جز با فهم تکلیف میسر نمی‌شود (غزالی، ۱۹۹۵: ۹۸) و تحت شمول این آیهٔ ۲۳۳ سورهٔ بقره قرآن کریم قرار می‌گیرد.[۱]

حالت روانی عته که متأثر از اختلال روانی است، مراتب خفیف تا شدید دارد، به‌طوری‌که در برخی حالات اگر به جنون برسد، رافع کامل مسؤولیت کیفری است. در قانون مجازات اسلامی به‌صراحت به این نوع اختلال روانی اشاره نشده است و صرفاً در مادهٔ ۹۱ این قانون به عدم درک در حرمت یا ماهیت جرم یا شبهه در کمال یا رشد عقل درخصوص اشخاص بالغ کمتر از

۱- «لا یکلف النفس الا وسعها».

هجده سال درصورت ارتکاب جرایم موجب حد یا قصاص تصریح شده است؛ همچنین فقهای اسلامی جنایات معتوه را همچون مجنون و صغیرممیز تلقی کرده و آن را خطای محض تلقی کرده و دیهٔ آن را برعهدهٔ عاقله می‌دانند و به این امر قائل هستند که جنایات معتوه و مجنون یک حکم دارد (تبریزی، ۱۳۸۷: ۱۵۴)، تحقیقاً این اختلال روانی محدود به سن خاصی نیست، بلکه در سنین بالاتر هم ممکن است این عوارض متوجه انسان شود.

مستند به مادهٔ ۱۸ قانون مجازات اسلامی، تعزیر به مجازاتی گفته می‌شود که به‌موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی و یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اجرا می‌گردد. براساس مادهٔ ۱۸ این قانون نیز سن مسؤولیت اشخاص درصورت چنین جرایمی بعد از نُه سال شمسی است و مفهوم مخاف این ماده چنین دریافت می‌شود که اگر اشخاص زیر نُه سال شمسی حتی اگر بالغ هم باشند و مرتکب چنین جرمی گردند، هیچ اقدامی برای آن‌ها صورت نمی‌گیرد. با این توصیف به‌طریق‌اولی بالغ معتوه زیر نُه سال اعم‌از اینکه به‌طور طبیعی زودتر بالغ شود یا با مصرف دارویی زودرس بالغ شده باشد، درصورت ارتکاب جرایم، موجب تعزیر در حقوق کیفری ایران بحث است. البته قابل‌ذکر می‌باشد که درخصوص افراد معتوه بالای ۱۸ سال شمسی هیچ حکم صریحی در قانون مجازات اسلامی وجود ندارد، لیکن با لحاظ مفهوم مخالف مادهٔ ۹۱ قانون مجازات اسلامی در اشخاص بالای ۱۸ سال هم امکان نقصان عقل وجود دارد که در این صورت با احراز آن امکان رهایی از مجازات اصلی وجود دارد (صادقی و میرمحمد، ۱۳۹۳: ۲۸۷) و با توجه به اینکه مجازات‌های حد و قصاص که دارای اهمیت بیش‌تری نسبت به تعزیرات هستند، به‌سبب نقیصهٔ عقلی این مجازات‌ها ساقط و به مجازات تعزیری مذکور در مادهٔ ۸۹ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند، به‌طریق‌اولی در ارتکاب جرایم تعزیری که اغلب از حیث قباحت رفتار کمتر از جرایم موجب حد یا قصاص است، مجازات‌های تعزیری مذکور در قانون نیز باید به‌سبب نقصان عقل به مجازات سبک‌تر تبدیل گردند و با لحاظ مادهٔ ۱۸ قانون مجازات اسلامی که قاضی را ملزم به‌لحاظ وضعیت ذهنی و روانی مرتکب جرم در تعیین مجازات تعزیری می‌کند، واکنش کیفری خفیف‌تر تعیین شود؛ زیرا معتوه عاقل نیست تا مستند به مادهٔ ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مسؤولیت کیفری داشته و مجازات گردد. با توجه به توصیفی که برای اشخاص معتوه بالای ۱۸ سال داده شد، به‌طریق‌اولی برای معتوهین زیر ۱۸ سال نیز می‌توان درنظر گرفت.

در پروندهٔ کلاسهٔ ۱۴۲×××××××××۹۷ در دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اقلید استان فارس فردی به‌نام ی-ل ۳۴ ساله به اتهام ایراد جرح عمدی با چاقو و تخریب تحت تعقیب قرار می‌گیرد. متهم که دارای سوابق متعدد کیفری است، در دفاع از خود ضمن انکار اتهام با کلامی مشوش اقدام به‌شرح نحوهٔ وقوع جرم می‌کند. بستگان وی بیان می‌دارند که وی دارای معلولیت شدید ذهنی و محجور است و حکم حجر و کارت معلولیت ذهنی وی از بهزیستی و همچنین معاینات سابق پزشکی از وی و سوابق بستری شدن در بیمارستان اعصاب و روان شیرازی ارائه می‌دهند. با معرفی وی به پزشکی قانونی، چنین به دادسرا گزارش می‌شود که: «... متهم دارای اختلال شدید روانی است و حضور وی در جامعه می‌تواند خطرناک باشد، لیکن به‌کلی فاقد اراده و تمیز نمی‌باشد». پس از ارسال پرونده به دادگاه کیفری، دوباره قرار جلب به دادرسی دادگاه با این استدلال که متهم به اختلال تام روانی دچار نیست، وی را به حبس محکوم می‌کند. در نقد این رأی باید گفت آنچه مسلم می‌باشد، این است که متهم قوهٔ تشخص و تمیز معمول برخوردار نبوده و فاقد رشد و کمال عقل می‌باشد و نگهداری وی در زندان به‌همراه سایر محکومان، تأمین‌کنندهٔ اهداف کیفر نخواهد بود؛ ازاین‌رو استدلال صورت‌گرفته قابل‌خدشه است.

در مادهٔ ۹۱ قانون مجازات اسلامی، به جرایم تعزیری این اشخاص اشاره نشده است و هیچ مقررهٔ صریح دیگری جز مادهٔ مزبور درخصوص معتوهین در قانون مجازات اسلامی وجود ندارد. با توجه به توصیف مذکور، دختران نوجوان معتوه در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال اگر مرتکب جرایم تعزیری شوند، صرف نظر از عارضهٔ سوءروانی‌شان، طبق مادهٔ ۸۹ قانون مجازات اسلامی، به یکی از مجازات‌های نقصان‌یافته در این ماده محکوم می‌شوند؛ تحقیقاً به استناد صراحت مادهٔ مزبور که از اصطلاح مجازات استفاده شده، باید برای این افراد در این سنین درصورت ارتکاب جرم تعزیری، قائل به مسؤولیت کیفری بود، درحالی‌که واضح است طبق مادهٔ ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی شرط مسؤولیت کیفری عقل می‌باشد که این اشخاص فاقد آن هستند؛ بنابراین نمی‌توان قائل به مسؤولیت کیفری آن‌ها شد و درنتیجه نباید آن‌ها را به مجازات مذکور در مادهٔ

مذکور محکوم کرد؛ بر این اساس دختر نوجوان معتوه ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی درصورت ارتکاب جرم تعزیری نباید مجازات شود. اگر گفته شود که در این صورت آن‌ها باید مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی گردند، هرچند در این خصوص نص صریح قانونی نیست، ولی همان‌طور که در بالا اشاره شد، با لحاظ مادۀ ۱۸ قانون مجازات اسلامی در تعریف مجازات تعزیری که قضات را در اعمال این مجازات با لحاظ وضعیت ذهنی و روانی دلالت کرده و بند ث مادۀ ۳۸ قانون مجازات اسلامی که بیماری مرتکب جرم را از موجبات تخفیف مجازات دانسته است و با نظر به تعریف عام تعزیر که می‌تواند اعم‌از اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، این اشخاص در سن نوجوانی بین سنین مذکور، مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در مادۀ ۸۸ قانون مجازات اسلامی می‌شوند. علاوه‌بر اینکه از طرفی وقتی برای اشخاص زیر ۱۵ سال درصورت ارتکاب جرم تعزیری اقدامات تأمینی و تربیتی درنظر گرفته می‌شود و برای دختران معتوه بالای سن ۱۵ تا ۱۸ سال نیز با لحاظ فقدان ضمانت‌اجرای کیفری، باید اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در مادۀ مزبور را درنظر گرفت.

نتیجه‌گیری

دختران تا پیش از ۱۸ سالگی مانند هر انسان دیگر ممکن است مرتکب جرم تعزیری شوند که در این صورت با لحاظ شرایط مذکور در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی در معرض ضمانت‌اجراهای کیفری مذکور در قانون مجازات اسلامی اعم‌از مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی قرار می‌گیرند. حال اگر دختری قبل از اینکه به سن بلوغ قانونی و حتی با وجود رسیدن به بلوغ پیش از نُه سال شمسی مرتکب جرم تعزیری شود، مسؤولیتی در قانون مجازات اسلامی برای وی پیش‌بینی نشده است، هرچند در ادبیات فقهی وی مستحق تنبیه است که نمی‌توان به این اقدام در حقوق ایران تعزیر نامید؛ چراکه ضمانت‌اجرای کیفری ارتکاب جرم تعزیری به اقدامات تأمینی و تربیتی یا مجازات در قانون ایران بعد از رسیدن به سن نُه سال شمسی است، یعنی اگر آن‌ها تا پیش از نُه سال شمسی مرتکب جرم تعزیری گردند، نه اینکه مجازات، بلکه هیچ‌یک از اقدامات تأمینی و تربیتی بر آن‌ها اعمال نمی‌شود، دختران اعم‌از اینکه به بلوغ برسند یا نرسند درصورت ارتکاب جرم از سن نُه تا ۱۵ سال شمسی، مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی می‌گردند، دختران پس از ۱۵ سال تا ۱۸ سال شمسی دارای مسؤولیت کیفری و مجازات نقصان‌یافته هستند؛ چراکه به استناد مادۀ ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی، مجازات فرع بر مسؤولیت کیفری است که بلوغ یکی از شرایط آن می‌باشد.

اگر دختر نوجوان در خارج از کشور مرتکب جرم موجب تعزیری شود و درنتیجۀ آن محکوم به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی گردد، با توجه به مادۀ هفت قانون مجازات اسلامی چنانچه در ایران یافت یا به ایران اعاده شود، نباید مجدداً تعقیب کیفری یا محکوم گردد؛ چراکه اقدامات تأمینی و تربیتی داخل در مفهوم عام مجازات است؛ در این خصوص قابل‌توجه است که مطابق با مادۀ دو قانون مجازات اسلامی که مجازات را در مقابل جرم قرار داده و مادۀ ۱۴ قانون مجازات اسلامی که مجازات را چهار قِسم (حد، قصاص، دیه و تعزیر) می‌داند، در این صورت لاجرم اقدامات تأمینی و تربیتی داخل در تعزیرات با مفهوم عام است و نباید این دختر را مجدداً محاکمه و به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی دوچندان محکوم کرد. در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی به جرایم تعزیری تصریح شده است که علی‌الاطلاق شامل همه جرایمی می‌باشد که مجازات‌های آن‌ها تعزیر هستند. این تعزیر اعم‌از تعزیر منصوص شرعی و تعزیر غیرمنصوص شرعی است؛ ازاین‌رو درصورتی‌که دختر نوجوان حسب سن، مرتکب یکی از جرایم تعزیر منصوص شرعی مانند روابط مشروع موضوع مادۀ ۶۳۷ کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ شود، با لحاظ تفسیر مضیق قوانین جزایی به‌نفع متهم، به‌همان اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در مادۀ ۸۸ قانون مجازات اسلامی یا مجازات نقصان‌یافتۀ مذکور در مادۀ ۸۹ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مآخذ

الف- کتب فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم. چاپ سی‌وهفتم. تهران: میزان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*. جلد سوم. چاپ سی‌ونهم. تهران: میزان.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه، سازمان لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). *فرهنگ لغت*. چاپ اول. تهران: راه رشد.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۴). *محشی قانون مجازات اسلامی*. چاپ پنجم. تهران: مجد.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۹). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی یک، دو و سه*. چاپ بیستم. تهران: میزان.
- معین، محمد (۱۳۷۶). *فرهنگ فارسی*. شش جلد. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.
- میرسعیدی، سیدمنصور (۱۳۸۱). *مسؤولیت کیفری، قلمرو و ارکان*. چاپ سوم. تهران: میزان.

ب- کتب عربی

- ابن براج، القاضی عبد العزیز بن البراج الطرابلسی (۱۴۰۶ق). *المهذب*. دوره دو جلدی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن زهره، حمزة بن علی بن زهرة الحلبی (۱۴۱۷ق). *غنیة النزوع إلي علمی الأصول و الفروع*. چاپ اوّل. قم: مؤسسة الامام الصادق (ع).
- ابن سعید حلی، یحیی (۴۰۵ق). *الجامع‌للشرائع*. قم: مؤسسة سیدالشهداء.
- بحرانی، شیخ‌یوسف (۱۴۱۵ق). *الحدائق الناضرة فی أحکام العترة الطاهرة*. چاپ اول. قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- حائری، سیدکاظم (۱۴۱۵ق). *القضاء فی الفقه الاسلامی*. جلد یک. مجمع فکر اسلامی.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل‌الشیعه*. جلد یک و هجده. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- حلی، فخرالمحققین (۱۳۸۷ق). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*. جلد دوم. چاپ اول. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- جزایری، سیدمحمدجعفر (۱۴۲۸ق). *هدی الطالب الی شرح المکاسب*. جلد چهارم. قلم.
- رازی، محمد بن ابی بکر (۱۹۹۹م). *مختار صحاح*. بیروت: مکتبه العصریه.
- زین‌الدین بن علی الجبلی العاملی (شهیدثانی) (۱۴۱۰ق). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة للشهید*. دورۀ ده جلدی. چاپ اوّل. قم: داوری.
- شمس‌الدین محمد بن مکی العاملی (شهید اوّل) (۱۴۱۲ق). *الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة*. دوره سه جلدی. چاپ اوّل. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- طباطبایی‌حائری، علی ابن محمد (۱۷۱۸ق). *ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلایل*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- طریحی‌النجفی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع‌البحرین*. جلد سوم. تهران: المرتضویه.
- طبرسی، ابوالفضل بن حسن (۱۴۰۶ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بی‌جا: دارالمعرفة.
- طوسی، ابوجعفر محمد ابن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب‌الاحکام*. *تهران*: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی (شیخ الطائفة) (۱۴۰۷ق). *الخلاف*. دورۀ شش جلدی. قم: مؤسسة النشرالاسلامی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۹۰). *النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی*. بیروت: دارالکتب العربی.
- عاملی، زین الدین بن علی (۱۳۷۴). *تمهیدات القواعد*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- غزالی، محمد بن محمد (ابوحامد) (۱۹۹۵م). *المستصفی من اصول الفقه*. دار صادر.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۳۴ق). *العین*. جلد اول. قم: مؤسسه دارالهجره.
- کاشف‌الغطاء، شیخ جعفر (۱۴۲۲ق). *کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء*. اصفهان: مهدوی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹). *الکافی*. جلد شش. دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- گلپایگانی، سیدمحمدرضا (۱۴۱۴ق). *الدرّالمنضود فی الاحکام الحدود*. جلد دوم.

– مقدّس‌اردبیلی، شیخ احمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*. دوره چهارده جلدی. قم: جامعۀ المدرسین فی الحوزۀ العلمیۀ.
– موسوی‌بجنوردی، محمد (۱۳۷۸). «بلوغ». *ماهنامه متین*. تهران. ۱ (۲).
– موسوی‌خویی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *مبانی تکملۀ المنهاج القضاء و الحدود*. مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
– نجفی، محمدحسن (۱۳۸۶). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*. جلد بیست‌وشش و چهل‌ویک. چاپ پنجم. تهران: اسلامیه.

ج– مقاله‌های فارسی

– رمزدان، حسین (۱۳۸۳). «ماهیت اعمال مجرمانه و مسؤولیت کیفری اشخاص دارای نقیصۀ عقلی»، ۲(۱): ۱۴۱–۱۰۷.
– زراعت، عباس (بی‌تا)، «رشد کیفری». *مجله دانشکده علوم انسانی سمنان*، (۸): ۱۲۵–۱۴۷.
– زراعتی، حجت (۱۳۸۴). «بررسی روند تغییرات میانگین سن اولین قاعدگی در دختران ایرانی». *فصلنامه باروری و ناباروری*. ۵۲۳–۵۳۰.
– سلمانیان، سجاد و شاکری، ابوالحسن (۱۳۹۸). «مسؤولیت معتوه در حقوق کیفری ایران با نگاهی به حقوق مصر». *فصلنامه علمی و پژوهشی*. (۵۱).
– عطازاده، سعید (۱۳۹۲). «معیار سن کیفری دختران در فقه و حقوق موضوعه». *مطالعات حقوق تطبیقی*. (۲): ۵۷–۷۹.
– مرادی، عذرا (۱۳۸۷). «بررسی شرط رشد در مسؤولیت کیفری». *فقه اهل بیت بهار*. (۵۳).
– ملکی افضلی، محسن و سعیدی، مینا (۱۳۹۸). «بررسی مفهوم جنون در فقه فرقین با تأملی در نگرش قانون مجازات اسلامی». *پژوهش های فقهی*. ۱۵ (۲).

د– قوانین و مقررات

– قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸.
– قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

Journal of
Contemporary Legal Thought
www.lthjournal.ir

Volume 3, Issue 2, 2021

The Responsibility of Teenager Girl to Commit crimes Taazir in Imamieh Jurisprudence and Iranian Criminal Law

Abolhasan Shakeri [1] , Misagh Shirazi *[2]

1. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mazandaran University, Babolsar, Iran
2. M.A, Department of Criminal Law and Criminology, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:
Original Research
Pages: ***21-33***

Corresponding Author's Info
ORCID: *0000-0000-0000-0000*
TELL: *00000000000*
Email:
misagh_shirazi@yahoo.com

Article history:
Received: *28 May 2021*
Revised: *04 Jul 2021*
Accepted: *16 Agu 2021*
Published online: *23 Sep 2021*

Keywords:
Girl, Adolescent, Punishment, Maturity, Age.

ABSTRACT

Girls are children before puberty and then teenagers. In the Islamic Penal Code, if a girl commits Ta'zir before the age of 9, even if she is an adult, she will not be held liable, although they can be considered jurisprudentially deserving of punishment if they have not reached puberty. In Iranian law called it Ta'zir. The guarantee of committing a criminal offense after 9 years to 15 solar years, whether a boy or a girl, even if they are adults and teenagers, is security and educational measures, in which there is no difference between them. If girls commit this after reaching the age of 15, they will be sentenced to the punishment mentioned in Article 89 of the Penal Code, but if boys commit this after reaching the age of 15, if it is still proven They have not reached the age of puberty because the punishment is a branch of criminal responsibility and reaching the age of puberty. They are not sentenced to the punishment mentioned in Article 89 of the Penal Code, which indicates the difference between girls and boys. Considering the application of Ta'zir in Articles 88 and 89 of the Penal Code, which include whether the Ta'zir is prescribed by Shari'a or not, and the narrow interpretation of criminal law in favor of the accused, the guarantee of committing any Ta'zir crime by a teenage girl And the reduced education or punishment mentioned in these articles, which indicates that there is no difference between them.

This is an open access article under the CC BY license. © 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Shakeri, A & Shirazi, M (2021). "The Responsibility of Teenager Girl to Commit crimes Taazir in Imamieh Jurisprudence and Iranian Criminal Law". *Journal of Contemporary Legal Thought,* 2(3): 21-33.